

را می‌دانسته و با زبان‌های روسی و فرانسوی نیز آشنا بوده‌است. این کشیش - پزشک ژورژیت، که گاه حتی نامی از وی در میان نیست و تنها از وی با عنوان یک سیاح مسیحی یاد می‌شود، در ایران به نام‌های گوناگونی نامدار است.

مریم میراحمدی<sup>۱</sup>، از وی به نام تادیوز کروسینسکی؛ ولی‌الله‌شادان<sup>۲</sup> نام وی را یودا کروزی‌ینسکی؛ اسماعیل دولتشاهی<sup>۳</sup> و مصطفی‌قلی‌عماد<sup>۴</sup> این نام را تادیوز کروسینسکی؛ محمداسماعیل رضوانی<sup>۵</sup> از او به نام یهودا کروفینسکی؛ مه‌راب امیری<sup>۶</sup> وی را جوداز کروسینسکی؛ بدالله قانندی<sup>۷</sup> نام وی را تادئو یودا کروسینسکی و در نهایت نگین‌صالحی‌نیا<sup>۸</sup>، این نام را کروزی‌نسکی گزارش کرده‌است. گفتن ندارد که تمام این خوانش‌ها نادرست است. در منابع فارسی، نه تنها خوانش این نام درست نیست، که اطلاعات مربوط به وی نیز گاه نادرست است.

یان کروشینسکی که در ایران، نام تادیوش را بر خود نهاد - زیرا در اسناد رسمی از سال ۱۷۳۲ میلادی نام وی تادیوش ثبت شده است - متولد پانزده مه ۱۶۷۵ است. در دوازده اکتبر ۱۶۹۱ به طور رسمی به فرقه ژورژیت درآمد. آموزش مذهبی را در ۱۶۹۴ به پایان رسانید. در اوایل قرن ۱۸ به همراه یان ریت - نماینده مبلغان ژورژیت در ایران - راهی این دیار گشت. بهار ۱۷۰۵ به مسکو وارد شد. در دوازده ژوئن سال بعد به استروخان رسید و چند ماه بعد فعالیت خود را در دارالتبلیغ گنجه آغاز کرد. کروشینسکی در سال ۱۷۱۲ برای آن که پادشاه لهستان را با فکر اعزام سیاستمدارانی بلندپایه‌تر به دربار صفوی، همراه سازد به لهستان بازگشت.

در اکتبر ۱۷۲۰ او که زبان فارسی را به نیکی آموخته بود، به سمت دادستان اسقف اصفهان در دربار ایران منصوب گشت. در تاریخ یازده ژوئیه ۱۷۲۱ برای نخستین بار با پادشاه صفوی دیدار کرد. در این دیدار توانست امتیازاتی برای مبلغان کاتولیک حاصل کند. او در طول اقامتش در ایران که افزون بر دو دهه بود، یادداشت‌ها و مدارکی برای انتشار فراهم آورده بود که بخش بزرگی از آن‌ها توسط سربازان محمودافغان به تاراج رفت. دانش پزشکی او، وی را با دربار محمود مرتبط ساخت و برای وی جایگاهی فراهم آورد. در سال ۱۷۲۵ توانست به همراه هیات سیاسی اشرف افغان، به خاک عثمانی سفر کند. او به همراه هیات سیاسی در ۱۸ ژانویه ۱۷۲۶ به استانبول وارد شد. مذاکرات نمایندگان اشرف با عثمانیان به نتیجه نرسید و جنگ آغاز گشت. کروشینسکی که در مذاکرات نقشی نداشت، به علت بیماری و مسدودگشتن راه ایران - به علت جنگ - در عثمانی ماندگار شد. او در شهر اسکوتاری اقامت گزید و به عنوان کشیش مخصوص شاهزاده فرانسس دوم راکوشی در رودستو به فعالیت پرداخت. در همین شهر است که وی نگارش خاطرات خود را به پایان می‌برد. گفته می‌شود این خاطرات به دستور شاهزاده فرانسس، توسط منشی وی به نام بشون به زبان فرانسوی ترجمه شد. ابراهیم پاشا که در فکر ایجاد و برپایی مدرسه‌ای بود از کروشینسکی جهت تدریس دعوت کرد، ولی او نپذیرفت و در سال ۱۷۲۸ به لهستان بازگشت. سرانجام در ۲۲ اگوست سال ۱۷۵۷ در شهری در جنوب شرقی لهستان درگذشت. گروهی بر این باورند که وی در سال ۱۷۴۰ سفر دیگری به ایران انجام داد. اما هیچ‌یک از منابع موجود این باور را تایید نمی‌کند.<sup>۹</sup>

اما دانستیم که از خاطرات کروشینسکی دو تحریر و یا دو روایت وجود دارد:

الف) در سال ۱۷۲۹ به دستور ابراهیم پاشا خاطرات

# آن شاهد ژورژیت



• علی‌رضا دولتشاهی

• سقوط اصفهان به روایت کروسینسکی

• بازنویسی: سید جواد طباطبایی

• ناشر: نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۲

• شابک: ۹۶۴-۷۷۶۳-۰۷-۷

گزارش کروسینسکی از سقوط اصفهان به روایت سید جواد طباطبایی، جدیدترین انتشار این گزارش در ایران است که در سال ۱۳۸۲ به بازار کتاب راه یافته. این کتاب بازنویسی روایت راهبی است لهستانی، از واپسین روزهای حکومت شاه سلطان حسین و زمامداری جانشینان افغان وی: محمود و اشرف.

از گزارش کروسینسکی دو روایت یا دو تحریر وجود دارد. یکی تحریری که خود وی به زبان لاتین انجام داده است.<sup>۱</sup> روایت دوم، تحریری است که ژان آنتونیو دو سروسو (۱۶۷۰ - ۱۷۳۰) به دستور پدر فلور یودامونویل، سرپرست مبلغان ژورژیت در شرق، براساس دست‌نوشته کروسینسکی و افزودن اطلاعات دیگر که به طور عمده برآمده از روزنامه‌های آن دوران بود، انجام داده و به گزارش کروسینسکی جامعیت بیشتری بخشیده است. این روایت اخیر در سال ۱۷۲۸ میلادی انتشار یافت. روایتی که طباطبایی در بازنویسی خود به کار برده همین روایت دو سروسو است.

از بین تمام لهستانیانی که در عصر صفویه به ایران آمدند، در ایران زیستند، درباره ایران قلم زدند و در خاک ایران خفتند؛ تادیوش یان کروسینسکی<sup>۲</sup> بی‌شک پرآوازه‌ترین آنان است. از اسناد شخصی او چنین برمی‌آید که زبان‌های لهستانی، لاتین، ترکی، ارمنی ادبی و ایتالیایی

